

اخبار و تفسیر

۲۰ اردیبهشت ۱۳۴۰

دیگر جز در این لحظه نمیتوانم با هموطنان عزیز صحبت کنم.
«بدینوسیله از مردم رشید ایران مرد و زن تودیع میکنم و تاکید مینمایم که در راه پرافتخاریکه قدم برداشته‌اند از هیچ حادثه‌ای نهراسند.»

(از بیانات جناب آقای دکتر مصدق پیشوای جنبش ملی ایران در دادگاه)

قسم به خون سرخ تو

قسم به رنج مادرت

قسم به اشک خواهرت

که ما ز دشمنان تو

کشیم انتقام تو

قتل دکتر ابوالحسن خانعلی دکتر فلسفه و دبیر دبیرستان جامی - سراسر کشور را در هیجان عظیمی فرو برد. یک روز پیش از اعتصاب معلمین و قتل دکتر خانعلی. وزیر فرهنگ در مصاحبه‌ای گفته بود:

«بنویسید اولاً اعتصابی نمیشود ثانیاً مغز اعتصاب کننده را خورد خواهم کرد»

این وزیر فرهنگ نتوانسته بود بفهمد که دوران آدمکشی تیمور بختیار، سرهنگ زیبایی، سرگرد عمید، سرگرد جناب، ستوان زمانی و دیگر آدمکشان و جنایتکاران حرفه‌ای به پایان رسیده.

مغز یک دبیر خدمتگذار و شرافتمند خورد گردید و سه تن دیگر در خون غلطیدند اما این بار مردم هراسی به خود راه ندادند. بامداد پنجشنبه دانشجویان در دانشگاه اعلام کردند که چنانچه پلیس به آنان حمله کند مقابله خواهند کرد و همین دانشجویان حمله پلیس را در خیابان نادری درهم شکسته و خود را به میدان بهارستان رسانیدند.

از سوی دیگر صفوف منظم فرهنگیان که در پیشاپیش خود عکس بزرگی از دکتر خانعلی را حرکت میدادند بسوی بهارستان سرازیر گردید فرهنگیان بر پارچه بزرگی نوشته بودند.

قسم به خون سرخ تو

قسم به رنج مادرت

قسم به اشک خواهرت

که ما ز دشمنان تو

کشیم انتقام تو

خشم و نفرت مردم از خائنین و جنایتکاران به اوج رسیده بود. در پیاده‌روها بسیاری میگریستند و بسیاری شعارهای انتقام جویانه بر زبان میراندند و اعدام فوری سرگرد شهرستانی جنایتکار را خواستار بودند.
آقای درخشش نماینده فرهنگیان در این باره گفت:

«ماده دوم قطعنامه ما تقاضای تعقیب فوری مسبب قتل مرحوم دکتر خانعلی است و این موضوع برای ما بیشتر از تغییر اشل حقوق حائز اهمیت است.»

در پایان اجتماع روز شنبه در باشگاه مهرگان اعلام شد که:

«اعتصاب معلمین ادامه خواهد یافت و در صورت تغییر دولت نیز تغییری در تصمیم معلمین به وجود نخواهد آمد» آری. دیگر جنایتکار نمیتواند از دام بگریزد و به پاداش جنایت خویش همچون پیشینیان کاخ‌نشین و ثروتمند گردد زیرا بسیاری از مردان فداکار و قهرمان عزم راسخ دارند که به جنایات دستگاه حاکمه پایان دهند.

قتل دکتر خانعلی به طور شگفت‌انگیزی مردم را به جنبش واداشت. دانشگاه بزرگترین سنگر آزادی ایران پیش از همه بیاری هم میهنان فرهنگی خویش شتافت. دانشگاه سه روز تعطیل اعلام نمود و صبح چهارشنبه در تشییع جنازه دکتر خانعلی شرکت کرد.

در برابر قطعنامه فرهنگیان دائر بر استعفای وزیر فرهنگ آقای اکبری سخنگوی دانشجویان برکناری شریف امامی را خواستار شد و سرانجام فرهنگیان نیز برکناری دولت شریف امامی را در قطعنامه خود گنجانیدند. آقای اکبری که هم دانشجو هم معلم است در بهارستان وضع ناهنجار معلمین را تشریح کرد آنچنانکه تاثیر شدیدی به حاضران دست داد.

اکنون وزیر فرهنگی که میخواست مغز اعتصاب کننده را خورد کند از بارگاهش فرود آورده شده و دولتی که انتخابات دروغین مجلس بیستم را انجام داد دیگر بر سر کار نیست اما مبارزات مردم رنج دیده و خشمناک ایران همچنان ادامه خواهد یافت.

نیروی دگرگون‌ساز شگرفی که در میلیونها تن ایرانی خشمناک نهفته شده اکنون آنچنان به جوشش درآمده که دیگر هیچ دولت بیگانه و هیچیک از دستگاههای مزدور بیگانه یارای خاموش ساختن آن را ندارد.

این نیرو مسیر خود را در راهی که سرانجامش آزادی میهن ما است طی خواهد کرد.

روزنامه اطلاعات از سازمان امنیت و استنادار خراسان یاری میطلبید

مشهد. تهران ۲۹۹۵ گ ۲۵۱۷۷

شماره قبض ۳۹۶

اطلاعات. تهران

پیرو گزارش تلفنی دومین اعلامیه وابسته به جبهه ملی علیه اطلاعات و تحریم نشریات آن موسسه توسط روزنامه محلی خراسان در مشهد چاپ و مخفیانه منتشر گردید با انتشار صفحه مخصوص اطلاعات تحریکات عجیب و زنده‌ای از طرف روزنامه خراسان در مشهد و شهرستانهای تابعه انجام مراتب از طرف اداره سرپرستی به استنادار و سازمان امنیت گزارش و اقدامات لازم به عمل آمده با وجود فعالیت شدید و کوشش شبانه‌روزی اینجانب متاسفانه بر اثر توطئه و تحریکات روزنامه خراسان مصرف نشریات اطلاعات به طور محسوس تقلیل یافته مسوولین روزنامه خراسان با اعمال نفوذ و برانگیختن احساسات عمیق علیه اطلاعات در برچیدن سرپرستی و نمایندگی و تعطیل صفحه مخصوص اطلاعات برنامه وسیعی طرح و برای انجام مقاصد خود با کمال متانت در پیشرفت اطلاعات و ادامه انتشار صفحه مخصوص تا سرحد جان فداکاری خواهد کرد در ثانیه اقدامات نمایندگی مقتضی است جناب آقای مسعودی شخصا به استناداری تلگراف و دستور لازم صادر فرمایند ۴۰۵۷ صالحی

روزنامه اطلاعات که منعکس کننده افکار پلید دستگاه حاکمه و اربابان بیگانه آنست بر اثر تحریم جبهه ملی ایران دچار وضع پلیدی گردیده بطوریکه ناگزیر دست به دامان سازمان امنیت برده است گویا دستگاه حاکمه برای فروش روزنامه اطلاعات نیز از این پس باید دست بیاتون و اسلحه ببرد و دستگاه جاسوسی و آدم‌کشی سازمان امنیت را بکار اندازد. این تلگراف که نماینده اطلاعات در مشهد به مسعودی مخابره کرده است نموداری از وضع جدید این روزنامه میباشد.

نگاهی به نشریات ایرانیان خارج از کشور

شماره سوم، مورخه ۲۱ فروردین ۱۳۴۰ روزنامه باختر امروز

از دردهای گوناگون دوران ما صحبت میکند و یکی از دردها را (درد همسایه شمالی) از هم میشکافد و گلایه میکند که چرا در یک چنین روزهایی که ملت ما همه جا قد علم کرده است و در شرایط بسیار ناگوار با استعمار و غلامان آن به پیکار پرداخته است دولت شوروی با آنها لاس سیاسی میزند و همزمان با مبارزات قهرمانی دانشجویان و بازاریان صحبت از مسافرت حسن نیت شریف امامی به مسکو میکند. باختر امروز مینویسد:

« برای ملت ایران این عقده جلوگیری است که دولت شوروی در چنین لحظاتی خلاف روش و سیره خود در مورد دیگر ملتهای جهان بار دیگر جانب دولتی را گرفته است که بر سرنیزه تکیه دارد و ملتی را دربند نگهداشته و فرصت ابراز عقیده آزاد را از او سلب کرده است. . . . » باختر امروز عقیده دارد که این کار درست مثل پس دادن طلاهای ایران به زاهدی نوکر سفارت آمریکا است با وجودیکه دولت ملی آقای دکتر محمد مصدق در مبارزه ضد استعماری خود نیاز فراوانی به پول داشت دولت شوروی طلاها را از ایشان دریغ کرد و بعد از کودتا آنها را به زاهدی داد تا سرنیزه‌ها را تیزتر کند و مبارزان آزادی را در همه جا به خاک و خون بکشد و دانشجویان قهرمان ما را در محوطه دانشکده‌ها به گلوله ببندد.

ما به روزنامه باختر امروز حق میدهیم که چنین گله‌ای داشته باشد. اما گمان هم نمیبریم که مسئله مسافرت حسن نیت به مسکو جدی باشد.

هیأت حاکمه این مسئله را پیش کشیده است که اولاً آمریکاییها را بترسانند و بگویند که اگر جیره را قطع کنید دست‌گدایی بسوی شمالیها دراز خواهیم کرد و در ثانی می‌خواهند مزورانه خود را در صف ملتهای آزادیخواه آسیایی و آفریقایی که صمیمانه رو به بیطرفی می‌روند جا بزنند تا از قافله پس نمانند.

باختر امروز در همان شماره پیامی به افسران درجه‌داران و سربازان و فرزندان دلیر میهن فرستاده و از ایشان خواسته است که در مبارزات کنونی همگام مردم باشند و « . . . بیاندیشند که فرماندهان شما چاکران گوش به فرمان بیگانگان هستند و به دستور آنان شما را به شکنجه و آزار فرزندان وطن وامیدارند. . . . فرزندان دلاور ایران اگر تیر کور است شما بیدار و بینا باشید و سینه ملتی را که بروی شما و برای درآغوش کشیدن پیکر مردانه شما و شریف شما باز است گلوله باران نکنید. . . . »

بعد باختر امروز از ۳۰ سال دروغ و ریاکاری عباس مسعودی چاکر قسم خورده استعمار صحبت میکند و حرف را به آنجا میرساند که خبر میدهد ذوالفقاری شهردار سابق در آمریکا شاگرد مکتب آلن دالس شده و همین روزها پس از اخذ تعلیمات به تهران می‌آید که رئیس سازمان امنیت شود و داغ و درفشهایی را که سابقاً فقط در مورد دهقانان زنجان بکار میبرد برای همه مردم ایران بکار برد.

نشریه نیرو ارگان ماهیانه ایرانیان هوادار سوسیالیسم در انگلستان مینویسد:

(مسافرت ملکه انگلستان به ایران)

« . . . با در نظر گرفتن چگونگی سفر ملکه به کشورهای دیگر آسیایی به ویژه هند. برنامه و بخصوص مدت بازدید وی از ایران نشانه بی‌حرمتی و بی‌آبرویی دستگاه حاکمه کنونی از نظر محافل دولتی انگلستان است. . . . » بعد نیز خوش خدمتی‌هایی دستگاه حاکمه فصلی را در مقابل اربابان انگلیسی خود می‌شمارد که اعاده ناپهنگام روابط سیاسی (که در زمان حکومت ملی آقای دکتر محمد مصدق به موقع قطع شده بود) عقد قرارداد با

کنسرسیوم. پیوستن به پیمان نظامی بغداد. ابراز عجز در مقابل چپاولگری جان مولم و سایر شرکتهای استعماری و ابراز چاکری و بندگی در برابر استعمارگران از آن جمله است و اضافه میکند که این دستگاه حاکمه نباید بیش از این از مخدومین خود توقع ادب و احترام داشته باشد و میگوید «... مسافرت ملکه و شوهرش جز مخارج کمرشکن و پذیرایی نتیجه دیگری نداشت. رادیو و روزنامه‌های انگلیسی در وصف چگونگی پذیرایی لغت (اسرافکارانه) را بکار برده‌اند. . . تنها هزینه گلهایی که از هلند خریداری شده بالغ بر دو میلیون تومان بوده است و در مدت نود روز آپارتمان مخصوصی با اثاثیه ویژه قصور قدیمی انگلستان ساخته و آراسته شد. علاوه بر این هدایای گرانبهایی که به ملکه و شوهرش داده شد آنقدر گرانبهاست که بر آنها قیمتی نمیتوان تعیین کرد. . . .» و آنوقت در مقابل این خوش رقصی‌ها روزنامه‌نگاران انگلیسی، حتی بنگاه «بی‌بی‌سی» به کفران نعمت برخاستند و از اقدامات غلاظ و شداد دولت دم زدند.

رضایت خانواده لومومبا

صاحب یک کارخانه بیسکویت سازی از اداره ثبت شرکتهای و علائم می‌خواهد که اسم (بیسکویت لومومبا) را برای محصولات کارخانه وی به ثبت برساند.

رئیس اداره ثبت شرکتهای از بیم سازمان امنیت در ذیل تقاضای وی مینویسد:

«موافقم، موافقت ورثه لومومبا را بیاورید»

کیهان شماره ۵۳۴۵

از مصاحبه دکتر فیدل کاسترو

س. در انتخابات کوبا شما اکثریت قاطعی بدست می‌آوردید پس چرا دست بانتخابات نمی‌زنید؟

ج. ساده بگویم برای آنکه در شرایط کنونی کسی علاقه‌ای به این کار ندارد و شما میتوانید به خیابان بروید مردم را جمع کنید و برسید نظرشان درباره انتخابات چیست آنوقت میبینید که هیچکس طرفدار این کار نیست. این موضوع شاید در بعضی کشورها قابل درک نباشد اما باید توجه داشت که شصت سال ملت ما را زیر عنوان مسخره انتخابات دست انداختند. در طول صد و پنجاه سال یک دموکراسی قلبی بر آمریکای لاتین تحمیل شد که تنها کارش روی کار آوردن اشخاص حقیر و بیمایه و سیاستمداران جاه‌طلب بود، بروید با ملت گفتگو کنید تا از زبان مردم بشنوید که اکنون جز پیشرفت سریع انقلاب هیچ چیز دیگر نمی‌خواهند. ملت مایل نیست برای انتخابات وقت خود را تلف کند.

انقلاب سیر تکامل خود را طی خواهد کرد اصول کهن را برخواهد انداخته و جامعه‌ای نوین جایگزین آن خواهد ساخت و سازمانهای مخصوص خواهد داد. ما هم مانند دوره کنونی انقلاب جاودانی نیستیم دورانی فرا خواهد رسید که نظم نوین انقلابی شکل اداری به خود خواهد گرفت. نخست باید جامعه نو پیدایش یابد سپس شکل بگیرد.

نقل از شماره ۴۰۰ روزنامه اراده آذربایجان

(منسوب به سید ضیاءالدین)

چند روز قبل من بیانات اصولی و متین و قاطع مهندس رحمت مقدم و فلسفی را در مجلس شورایی علیه دولت پیش چند تن از دوستان تایید کردم.

یکی از حاضرین گفت: اولاً این نطقها مانوری از طرف هیأت حاکمه است.

هیأت حاکمه میخواد از این تظاهرات پارلمانی دو نتیجه مثبت بگیرد.

اول آنکه سوظن عامه را نسبت به مجلس شورایی تخفیف دهد و شایعه از انحلال مجلس بیستم را از بین

ببرد و در واقع با این مخالفت خوانیها مردم را نسبت به مجلس شورایی امیدوار و خوشبین سازند.

دوم اینکه. با این تندیها با این حملات کوبنده بر علیه هیأت حاکمه با این مانورهای آزادیخواهی اسلحه

شخصیت‌های پاکبازی امثال الهیار صالح را کند سازند و در واقع آنانرا خلع سلاح کند.

بیانات نمایندگانی که بر علیه جبهه ملی و بعضی از سازمانهای افراطی سیاسی در مجلس شورایی ایراد

شد در افکار عامه حسن اثر نبخشید؟ .

باز هم از همان روزنامه

« ... دیروز همکار شجاع و شریف ما رحیم زهتاب فرد بار دیگر با بیانات صادقانه خود توجه شاهنشاه

محبوب و مدیران جراید را به خود جلب کرد.

زهتاب فرد با صراحت خاصی به عنوان یک خدمتگذار صدیق و ایرانی علاقمند بر رژیم مشروطه سلطنتی

بیاناتی ایراد کرد که مورد تایید ذات مبارک ملوکانه قرار گرفت و پس از خاتمه جلسه همکاران دسته جمعی

صورت همکار جوان و واقع بین خود را بوسیدند.»

زهتاب فرد ضمن بیانات مفصلی بعرض رسانید:

«اعلیحضرتا اینکه مردم از صبح تا شب از دست هیأت حاکمه نالانند اینکه مردم هر لحظه یک خبری از دزدی

و غارت مسوولین امر پخش میکنند این مردم با ملت و مملکت و رژیم خود دشمنی ندارند مبنای این شایعات

توسط افراد هیأت حاکمه ریخته میشود مردم وقتیکه دم خروس را میبینند چگونه قسم دروغ هیأت حاکمه را باور

کنند.

متأسفانه محتاج به تهیه مدرک نیستم زیرا مدرک زنده در دسترس همه است تا جاییکه مثلاً شاگرد شوهرها

وقتیکه در خیابان شمیران به آپارتمان فلان تیمسار میرسند با کنایه میگویند «ایستگاه از کجا آورده‌ای»

شاهنشاهها وقتیکه فلان شخص که در تمام دوران زندگی مثلاً نقده را ندیده است از نقده بنام وکیل سر از صندوق

در می‌آورد دیگر تصور نمی‌رود اعلیحضرت همایونی خواستار دلیل و مدرک دیگری باشند زیرا اکثر این وکلای

مجلس خود مدارک و دلائل زنده و گویا و متحرکی میباشند. چطور سازمانهای مملکتی یک محصل ساده لوح و

ناپخته را که مثلاً در فلان محل یک نعره زده بعنوان اخلاک‌ر بازداشت میکند آیا نعره فلان دانشجو و کسبه و

کارگر موجبات نگرانی را فراهم میسازد و یا وکالت فلان تاجر چایی و زمینخوار بیسواد معروف.

«در زیر ذره‌بین نیوزویک» شماره اول مه ۱۹۶۱

علیرغم بحران موجود لائوس و کوبا مطلعین معتقدند که صحنه اصلی مبارزه با شوروی از این پس در برلن

و ایران خواهد بود مجموعه گزارشاتی که درباره انتقالات ناگهانی قوای آلمان شرقی رسیده موجب بروز این

وحشت شده است که فشار جدیدی در برلن خواهد شد.

هدایت افکار!

(از برنامه روز چهارشنبه ۶ اردیبهشت ۱۳۴۰ رادیوی تهران. ساعت هشت و بیست دقیقه)

«در انگلستان آقای خانمها را خواب کرده و در مدت دو ساعت به آنها ماشین نویسی یاد میدهد» و شرح

مفصلی درباره چگونگی تعلیم ماشین نویسی به خانمها در حالت خواب!

این نمونه‌ای از سخنان بیهوده و یاوه‌ایست که هر روز رادیو ایران، تهران و نیروی هوایی بخورد مردم، بویژه نونهالان کنجکاو که مغزشان آماده فراگرفتن معلومات نوین است میدهند.

صفحه ۲۸۹ ترجمه فارسی جلد اول زندگی من به قلم نهره

در واقع فکر اساسی که در پشت درخواست استقلال ملی ما وجود داشت این بود که مردم را آماده سازیم تا یک سازمان سیاسی کاملاً جدید و مستقل را بخواهند بوجود آورند نه اینکه وضع موجود را با تغییرات ظاهری بپذیرند بطوریکه هند صورت یک دو مینیون را پیدا کند و قدرت ظاهراً در دست هندیها باشد اما در پشت صحنه باز هم امپراطوری بریتانیا زمام امور را در دست داشته باشد.

من شخصا در آن زمان‌ها فکر میکردم که استقلال سیاسی بمعنی آنست که فقط آزادی سیاسی برای توده‌های مردم وجود داشته باشد. اما باید بگویم که اکنون دیگر آن طور فکر نمیکنم و اعتقاد دارم که استقلال واقعی سیاسی فقط وقتی تحقق میپذیرد که با موازین استقلال اجتماعی و اقتصادی هم همراه باشد.

در آنزمان تقریباً تمام رهبران ما در حدود همان قالب تنگ و خشک ساختمان سیاسی و اجتماعی موجود فکر میکردند آنها مسائل را چه در مورد سازمانهای اجتماعی و چه در مورد فرقه‌های مذهبی با همین نظر حفظ اوضاع موجود مطرح ساختند و بطور اجتناب ناپذیری آلت اجرای نقشه‌های دولت بریتانیا میگشتند که بر تمام این سازمانها تسلط کامل داشت. آنها نمیتوانستند کار دیگری بکنند. زیرا نظریات آنها یکنوع نظر اصلاح طلبی بود و هر چند که در چند مورد بعملیات و اقدامات مستقیم هم پرداختند اصولاً فکر انقلابی نداشتند تا در صورتیکه دیگر وقت آن گذشته بود که بتوان با چند قدم اصلاحی کاری انجام داد. حتی کوچکترین مسائل هند در زمینه‌های سیاسی یا اقتصادی یا در مورد فرقه‌های مذهبی را هم نمیشد جز از طریق انقلابی حل کرد. اکنون وضع طوری بود که ایجاب میکرد مسائل عمیقاً مورد توجه قرار گیرد و نه بطور سطحی. میبایست برای آنها راه حل انقلابی در نظر گرفته شود. تاسف در این بود که یک رهبر و رئیس شایسته که بتواند چنین کاری را انجام دهد و چنین روشی را در پیش گیرد وجود نداشت.

همچنین درخواست افزایش کرسیها در مجالس قانونگذاری رسماً مفهوم افزایش قدرت سیاسی را داشت اما عملاً فقط یکنوع افزایش قدرت نظارت و سرپرستی بود. این درخواستهای کوتاه‌نظرانه که تعداد معدودی از افراد قشرهای بالایی از آن بهره‌مند میگشتند عملاً سد راه پیشرفت وحدت ملی و پیشرفت عمومی میگشت اما با کمال زیرکی همین درخواستها بعنوان تقاضای توده‌های مردم وانمود میگشت.